

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای ۴۶ (عید فطر و روز جمعہ)

جلسہ ۰۲

۱۳۹۷/۰۴/۲۵

■ شمس و قمر آسمان ایران

■ دختران، برکت خانواده و جامعه هستند

■ خداوند، خریدار ناز بندگانش است

■ خداوند اعمال ناچیز را نیز می‌پذیرد

■ تقرب جستن به خداوند آسان است

■ مهر بی‌پایان پروردگار به بندگان گنهکارش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمجد

الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء) به عنوان دهه‌ی کرامت نامیده شده که فرصتی شوق‌انگیز است و بهترین بهانه برای شکرگزاری نعمت عظیم الهی در شکل‌گیری این دو حرم مطهر در ایران. ما از حریم اقدس رضوی و حرم پر برکت و مقدس فاطمی در مشهد و قم بهره‌مند هستیم. این برادر و خواهر، در آسمان ایران، مانند شمس و قمر هستند.

بحمدالله از رهگذر این دو مرکز فیض، ایران عزیز ما به مرکزی سوم منور شده و آن، حرم حضرت شاهچراغ (احمد بن موسی) در شیراز است که آقا آنجا را سومین حرم اهل بیت نامیدند. آن‌هم ستاره‌ای در آسمان ولایت و امامت و محبت ملت ایران است.

پیرامون اینها هم منظومه‌هایی از فرزندان اهل بیت هستند که به مناسبت قدوم پر برکت حضرت امام رضا (علیه السلام)،

«و كان من دعائه عليه السلام في يوم الفطر إذا أنصرف من صلاته قام قائماً ثم استقبل القبلة، و في يوم الجمعة، فقال يا من يرحم من لا يرحمه العباد و يا من يقبل من لا تقبله البلاد و يا من لا يحقر أهل الحاجة إليه و يا من يخيب الملحين عليه و يا من لا يجبه بالرد أهل الدالة عليه و يا من يجتبي صغير ما يتحف به، و يشكر يسيراً ما يعمل له».

شمس و قمر آسمان ایران

ایام پر برکت دهه‌ی کرامت را خدمت شما تبریک عرض می‌کنم. آغاز ماه ذی‌القعدة و میلاد فرخنده‌ی حضرت فاطمه‌ی معصومه (سلام الله علیها) تا ولادت پر برکت حضرت علی ابن موسی

داریم که فرصتی عالی است و امیدواریم قدر آن را نیز بدانیم.

دختران، برکت خانواده و جامعه هستند

به طور خاص به دختران عزیزمان روز ولادت حضرت فاطمه‌ی معصومه (سلام الله علیها) را تبریک عرض می‌کنیم. امیدواریم خدای متعال، جامعه‌ی دختران ما و عصمت و عفت آنان را در پرتوی عصمت این بانوی بزرگ و عزیز و دارای شأن و منزلت والا، حفظ کند و به آنان اعتلای شخصیت و فتوحات معنوی عطا فرماید تا منشأ انتشار خیر و برکت و رحمت و عافیت در جامعه باشند.

طبق مبانی محکم فرهنگ اسلامی و سیره‌ی اولیا، وجود دختران، چه در خانواده و چه در جامعه، قرین برکت است. روایات فراوان و عالی و متعدد بیان می‌دارد خانواده‌ای که دختر

به ایران عزیز وارد شدند و هیچ بخشی از ایران اسلامی خالی از این فروغ و درخشندگی نیست. از برکت حضور ایشان، ملت ایران شرف انتساب به خاندان عصمت و طهارت را دارند. این انتساب، زیرساخت اصلی اعتلای هویتی ملت ایران و سرمایه‌ی بزرگ ملت ما برای بر عهده گرفتن مأموریت‌های بزرگ آخرالزمانی است.

این دهه چنین امتیازی دارد و فرصتی برای توجه به این نعمت بزرگ است. ان‌شاءالله خدا به همه‌ی ما توفیق شکر و بهره‌مندی عنایت کند.

ماه ذی‌القعدة فرصتی است که می‌توان مفصل‌تر به این مسئله پرداخت و آیین‌های جشن و سرور را در کشورمان هماهنگ برگزار کرد. ما به این فضا خیلی نیاز داریم. در ماه ذی‌الحجه هم دهه‌ی ولایت را

می‌کند. اوصافی از خدای متعال در این دعای نورانی هست که مناسبت و خطوط اصلی آن را در جلسات گذشته عرض کردیم.

در بررسی کلمات حضرت سید الساجدین (علیه السلام) در وصف جمال الهی، به این عبارت رسیدیم: «وَيَا مَنْ لَا يَجْبَهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَةِ عَلَيْهِ»؛ تعبیر عجیبی است. خدای متعال در افاضه‌ی لطف خود نسبت به بندگان تا این مرحله پیش می‌رود که اگر کسی اهل ادلال شود، در پیشگاه حضرت حق، دست رد به سینه‌ی او زده نمی‌شود.

تعبیر «أَهْلَ الدَّالَةِ عَلَيْهِ» در مورد کسانی است که نسبت به حضرت حق ناز می‌کنند. ادلال همان رفتاری است که انسان نسبت به محب خود دارد. اگر کسی شما را خیلی دوست داشته باشد، ناز شما را می‌خورد. اینجا است که شما رفتاری از خودتان

داشته باشد، محل رفت و آمد فرشته‌ها می‌شود و قداست پیدا می‌کند. این را باید قدر دانست. وجود دختران در جامعه نیز اگر بر قاعده‌ی عصمت و عفت و لطافت معنوی باشد، رشددهنده و قرین برکت است.

امیدوارم خدای متعال توفیق دهد دختران ما قدر خود را بدانند و جامعه‌ی ما هم قدر دختران را بدانند. قدرشناسی از دختران، قدرشناسی از ریشه‌های فضیلت است.

خداوند، خریدار ناز بندگان است

متنی که از صحیفه‌ی مبارکه ترجمه می‌کنیم، دعای چهل و ششم آن است. این دعا در ایجاد رابطه‌ی صمیمانه و عاشقانه و محبانه با حضرت حق خیلی فوق‌العاده است و چراغ محبت را در وجود انسان روشن

گاهی انسان نسبت به عملی که انجام داده یا کاری که کرده، غر یا نق می‌زند یا کار را به رخ می‌کشد. ما چون از بیرون نگاه می‌کنیم، می‌گوییم این رفتار مستحق سخت‌ترین مجازات‌ها است. اما در ساحت حضرت حق، این‌گونه نیست که اگر کسی ادلال کرد، دست رد به سینه‌ی او زده شود. البته حالت ادلال، از باب حسن ظن به خدای متعال است. این رفتار مذموم و ناپسند است؛ ولی چون ریشه‌اش خوب است، باعث می‌شود حتی چنین کسانی، علی‌رغم این رفتار سنگین، در درگاه الهی مردود نشوند.

انسان اگر همین یک جمله را بگیرد و تکرار کند، هوش از سرش می‌رود.

نشان می‌دهید که به آن ادلال می‌گویند و در فارسی با تعبیر ناز کردن از آن یاد می‌کنیم. خانم‌ها برای همسرشان یا بالعکس و فرزندان برای والدین ناز می‌کنند و حتی در عالم رفاقت، این رفتار دیده می‌شود. حالت ادلال به خاطر تکیه بر محبت است. شما اطمینان خاطر دارید که با ناز کردن، او به شما بی‌اعتنایی نمی‌کند و به تعبیر فارسی و صمیمی خودمان، ناز شما را می‌خورد. او به دلیل محبت خود، این رفتار سنگین یا منت شما را دلیلی برای کاهش محبت خود نسبت به شما و قهر کردن و رد کردن نمی‌بیند.

امام خطاب به حضرت حق می‌گوید ای کسی که دست رد به سینه‌ی نازکنندگان به درگاهت نمی‌زنی. در بعضی از دعاهای دیگر، مثلاً در دعای افتتاح، شبیه این مضمون آمده است.

خداوند اعمال ناچیز را نیز می پذیرد

کلمه‌ی صغیر در اینجا مبالغه در ناچیز بودن است؛ وگرنه انسان خودش در اوج کوچکی و ناچیز بودن است؛ تا چه رسد به هدیه‌ی او. اینجا آنچه هدیه شده، به یک سرمایه‌ی جاودانی برای هدیه‌دهنده تبدیل می‌شود.

روش حضرت حق، طبق قاعده‌ی کرامت و تکریم است. چنانچه بندگان خدا به این مسئله توجه و ایمان داشته باشند، به آنان رشد و سعه می‌دهد و آنان را در ارتباط با خدای متعال شکوفا می‌سازد.

گویا دعا یا ذکر انسان، همانند آن است که دست در جیب خود کرده و پولی به ساحت قدس خدای متعال هدیه داده است! قرآن بیان می‌کند که دریافت‌کننده‌ی صدقه، خود خدای متعال است و بر این اساس، شما احساس می‌کنید صدقه را به دست بی‌دست حضرت حق می‌دهید. به همین

«وَيَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يُتَحَفُّ بِهِ»؛ تو همان کسی هستی که هدیه‌ی بسیار کوچک را می‌پذیری. به لطافت مطلب در اینجا توجه داشته باشید. بنده‌ی خدا در موضعی تلقی شده که به خدای متعال، تحفه و هدیه می‌دهد! این مطلب اصلاً قابل ذکر و قابل مقایسه نیست و صد نوع می‌توان به آن ایراد گرفت؛ ولی کریم علی الاطلاق، تحفه‌ی اندک را از بنده‌ی ناچیز خود، اجتناب می‌کند. اجتناب به معنای پذیرفتن از روی شوق و رغبت است. این کاری است که در مورد اولیا و انبیا انجام می‌شود. به همین قاعده، نام پیامبر برگزیده، مجتبی می‌شود. پروردگار متعال، کار او را دریافت می‌کند و می‌پسندد و به کوچک و ناچیز بودن آن توجه نمی‌کند.

قابل تصور است که این عمل تبدیل به چه چیزی می‌شود! مثلاً شما یک انسان غمزده و مشکل‌دار را شاد می‌کنی و غم را از دل او خارج می‌سازی، وقتی این عمل توسط حضرت شاکر دریافت می‌شود، در ساحت شکر الهی وارد می‌شود و پرورش پیدا می‌کند. قرآن هم به ما مژده داده است که: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا؛ [۲] هر کس عمل نیکی بیاورد، ده برابر آن پاداش برای او است».

خدای متعال عمل کم و اندک ما را می‌پذیرد، به آن پاداش‌های غیر قابل تصور و بسیار بزرگ می‌دهد، و آن را برای ما حفظ و ماندگار می‌کند.

شما برای یک لحظه، یک انسان دل‌شکسته را شاد می‌کنید، این عمل شما در محاسبات این‌جهانی چیزی به حساب نمی‌آید و یک شادی لحظه‌ای

دلیل می‌گویند وقتی صدقه می‌دهید، دست خود را ببوسید. [۱]

«وَيَشْكُرُ سِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ»؛ خدای متعال در برابر عمل اندکی که به خاطر او صورت گرفته است، قدرشناسی و شکرگزاری می‌کند. عمل ما، خیلی ناچیز است؛ اما خدای متعال، آن را می‌پذیرد و قبول می‌کند.

«وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي بِالْجَلِيلِ»؛ همان عمل ناچیز و اندک که حقیقتاً اندک است و در چشم انجام‌دهنده هم ناچیز و ناقابل، در درگاه خدا پذیرش می‌شود و این پذیرش در ساحت شکر است.

خدای متعال کار کوچک و ناچیز ما را ذیل اسم مقدس شاکر یا شکور می‌برد و نتیجه این می‌شود که دیگر عمل ما، قلیل و اندک نیست و به کثیر و عظیم تبدیل می‌شود. برای ما غیر

چه در ناحیه‌ی سیئه، دست‌کم نگیریم. یک عمل در ناحیه‌ی سیئه می‌تواند دودمان ما را بر باد دهد. از آن سو چه‌بسا یک عمل نیک کوچک که از سر اخلاص است، نجات‌دهنده‌ی ما در حیات ابدی باشد.

شخص در این عالم، عمل کوچکی انجام می‌دهد و همین عمل باعث می‌شود در عالم دیگر، همسایه‌ی سیدالاولیا شود. این عمل وقتی در لطف و کرم الهی ضرب شود، چنین خواهد شد. «فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا؛ ده برابر آن پاداش برای او است»، نقطه‌ی شروع است و چه‌بسا هفتصد برابر شود. دست‌خداى متعال باز است و از خزانه‌ی او چیزی کم نمی‌شود. او اگر بخواهد در برابر یک، یک میلیون بدهد، آیا از خزانه‌ی او کاسته می‌شود؟ آیا از مال کسی می‌خواهد بدهد؟ آیا این بخشش، از او چیزی کم می‌کند؟

است که به قلب یک انسان وارد شده است. این عمل شما یک لحظه است، اما وقتی مورد قبول خدای متعال قرار می‌گیرد، به یک سرمایه‌ی جاودانی تبدیل می‌شود. نوری که به واسطه‌ی رفتار محبت‌آمیز شما به قلب آن انسان وارد شده است، مخصوصاً اگر از کسانی باشند که جز به خدای متعال امیدی ندارند، تا ابد شما را بهره‌مند می‌سازد. منتها این مطالب اصلاً برای بنده و شما قابل فهم نیست.

آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» [۳] پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند، آن را خواهد دید» به همین اشاره دارد. این مِثْقَالَ ذَرَّةٍ نام مقدس شاکر قرار می‌گیرد و پرورش پیدا می‌کند و به باغ‌ها و بوستان‌ها و سُرور ابدی تبدیل می‌شود.

به من و شما فرموده‌اند عمل کم را، چه در ناحیه‌ی حسنه و

ما از این نکته غافل هستیم. دستگاه تعلیم و تربیت ما متأسفانه از نظام تربیتی توحیدی فاصله دارد. نظام تربیت توحیدی بر پایه‌ی کرامت استوار است و شخص را پرورش می‌دهد و او را بزرگ و کریم و منبع‌الطبع می‌کند. آن دنیا حسرتش را خواهد خورد.

چه چیزهایی انسان را به لطف و کرم حضرت حق نزدیک می‌کند؟ قرآن کریم به من و شما گفته است به سجده برو و نزدیک شو. [۴] اگر امر «وَأَسْجُدْ» [۵] امثال شود، نتیجه‌اش قرب خواهد بود. اگر انسان یک قدم بردارد، از آن طرف صدها لطف الهی شامل حال او می‌شود.

گاهی انسان، نیمه‌شبی برمی‌خیزد و استغفار می‌کند یا ابراز ندامت می‌کند و دو قطره اشک می‌ریزد یا به صورت پنهانی، مشکلی را از بنده‌ای حل می‌کند. اینها بهانه‌های قرب است که از

تقرب جستن به خداوند آسان است

دو جمله است که اگر شما شهد آن دو را بجشید و با آن انس بگیرید و آن را احساس کنید، طوفانی در قلب شما ایجاد خواهد کرد. «وَايَا مَنْ يَدْنُو إِلَيَّ مَنْ دَنَا مِنِّي»؛ این جمله را نمی‌توان ترجمه کرد، اما چاره‌ای نیست، باید آن را شرح داد. خطاب به پروردگار متعال عرضه می‌شود: تو آن کسی هستی که نزدیک می‌شوی به کسی که به تو نزدیک شود. ما در نسبتمان با حضرت حق و برقراری ارتباط با خدای متعال،

است. این هم از همان عباراتی است که نمی‌شود ترجمه کرد. آنچه ما در قرآن کریم در مورد دعوت الهی از گناهکاران داریم، خیلی عجیب است. در تجلی مهر و کرم و طلوع شمس الهی، آن باب اول (جمله‌ی اول) در مقابل این جمله رنگ می‌بازد. بروید و رفتار حضرت حق با گناهکاران را مشاهده کنید. حکایت رفتار حضرت حق با صالحین و اهل تقرب نیست؛ بلکه رفتار خداوند متعال با مذنبین و عاصیان است.

یک قرآن‌شناس مثل ابن عباس که در مکتب امیرالمؤمنین (علیه السلام) با لطایف کلام الهی انس گرفته است، از خود بی‌خود و بی‌قرار می‌شود و سر به کوه می‌گذارد و ضجه و ناله و فریاد می‌زند. به او گفتند چه شده است؟ گفت داشتم این آیه را استماع می‌کردم که خدای متعال خطاب به دو عبد صالح خود در سلسله‌ی انبیا (جناب

سجده و ذکر خفی و استغفار شروع می‌شود و تا حضور در میدان فداکاری ادامه پیدا می‌کند. اما ما گاهی این طرف و آن طرف کارمان را مطرح می‌کنیم و هم خودمان را و هم آن کار را خراب می‌کنیم.

مهر بی‌پایان پروردگار به بندگان گنهکارش

جمله‌ی اول در مورد کسی است که مقدماتی را فراهم می‌کند و عمل صالحی انجام می‌دهد و از رهگذر این عمل صالح، سرشار از عنایت الهی می‌شود. اما جمله‌ی دوم «وَيَا مَنْ يَدْعُو إِلَي نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنَّهُ» در مورد کسی است که قهر کرده است. تعبیری که اینجا انتخاب شده، خیلی تکان‌دهنده است. «أَدْبَرَ عَنَّهُ» یعنی پشت کرده است. خدا، بنده‌ای را که قهر کرده، به سوی خودش دعوت می‌کند. تعبیر «إِلَي نَفْسِهِ» سنگین و لطیف

موسی و جناب هارون) می‌گوید: «أَذْهَبَا إِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى»؛ [۶] به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته است». آیه، بیانگر یک گناه معمولی نیست و به طغیان فرعون اشاره دارد. اما شما دو نفر از سمت خودتان نمی‌روید، بلکه از طرف خدا می‌روید؛ بنابراین «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا»؛ [۷] و با او سخنی نرم گوید». در این مأموریت حق ندارید بر سر او فریاد بکشید؛ بلکه با او نرم سخن بگوئید. «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»؛ [۸] شاید که پند پذیرد یا بترسد».

با چنین طاغی آن‌طور رفتار می‌کند؛ چه امیدی در دل من برانگیخته می‌شود؟ ابن عباس فهمیده است که خدا چقدر بندگان خود را دوست دارد. اینجا است که می‌بینید کار برعکس شده است و خدای متعال، ناز بنده‌های خود را می‌کشد.

باب رفتار حضرت حق با عاصین و مذنبین، خیلی عجیب است و اگر انسان به راز و سرّ و لطایف آن پی ببرد، آتشی از محبت حضرت حق در دلش برانگیخته می‌شود.



ابن عباس این آیه را شنیده است و من و شما هم ممکن است صد بار این آیه را شنیده باشیم. او به عنوان یک لطیفه‌شناس و شاگرد امیرالمؤمنین (علیه السلام) با این آیه مواجه شده است. من پیش خودم می‌گویم من مانند فرعون رفتار نکرده و خودم را ربّ اعلیٰ نخوانده‌ام. خدای متعال

منابع و مأخذ

[۱]. ر.ک: شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۰۵؛ بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۴۴۱.

[۲]. انعام: ۱۶۰.

[۳]. زلزال: ۷.

[۴]. علق: ۱۹.

[۵]. همان.

[۶]. طه: ۴۳.

[۷]. همان: ۴۴.

[۸]. همان.





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر